

مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دانشگاه اخلاق مدار با تأکید بر اخلاق توحیدی

احد نژادابراهیمی^۱ و اصغر مولائی*^۲

چکیده

اخلاق یکی از ملزومات حیات انسان‌ها و دانشگاه به‌عنوان محیطی برای آموزش، پژوهش و پرورش است. دانشگاه‌های معاصر در دوران کنونی با مسائل عدیده‌ای مواجه‌اند که مقاله-محوری، نمره محوری، منفعت فردی، افراط و تفریط از مهم‌ترین این مسائل بشمار می‌رود. اخلاق توحیدی نگرشی جامع و کامل در توجه به وجوه مختلف اخلاق است که اتخاذ آن در نظر و عمل می‌تواند به حل بسیاری از مسائل انسان و دانشگاه‌ها کمک نماید. در این مقاله اخلاق توحیدی در چهار بعد ارتباط با خداوند، ارتباط با خویش، ارتباط با جامعه و ارتباط با خلقت زیست‌محیطی تبیین شده و شاخص‌ها و معیارهای مربوطه استخراج شده‌اند. از جمله مهم‌ترین این اصول و راهبردها عبارت‌اند از: تغییر فضای رقابتی نمره محور به فضای اعتمادسازی و تلاش محوری در مسیر آموزش، ارائه و نهادینه کردن الگوهای اخلاق عالمان اسلامی (برای ارائه‌ی رفتار مخلصانه و دور از حسادت و رزوی)، اخلاص در ارزشیابی فعالیت‌های استاد و دانشگاه، اهتمام در انجام واجبات شرعی، رعایت حدود الهی و حلال و حرام، شاکر بودن، اعتدال و میانه‌روی در فعالیت‌های روزمره‌ی دانشجویی و بیرون از دانشگاه، تواضع و فروتنی، پرهیز از خودستایی و دنیاپرستی، احترام متقابل استاد و دانشجو، انصاف و عدالت، آموزش و پرورش توأمان و خیرخواهی.

کلیدواژه‌ها: اخلاق توحیدی، دانشگاه اخلاق محور، حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق

جامعه.

۱ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز.

۲ نویسنده مسئول: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، رایانامه:

a.molaei@tabriziau.ac.ir

مقدمه

اخلاق اسلامی به‌منزله‌ی کالبدی است که روح توحید در آن دمیده شده است. از منظر قرآن، اخلاق در هر بعدی از ابعاد فضیلت و رذیلت، بدون عامل پایدار نخواهد بود. پایداری اخلاق فاضله وابسته به توحید است. اعتقاد به توحید یعنی ایمان به اینکه در نظام هستی هیچ تدبیری جز تدبیر و قدرت خدای یگانه نیست و او کمال مطلق و دارای صفات و اسمای حسنا می‌باشد. او انسان را آفرید تا با اراده‌ی خویش آن صفات را کسب نماید و به سعادت و کمال واقعی دست یابد. اخلاقیات اسلامی در اسلام با اندکی تجزیه‌وتحلیل در قوس صعود به روح یکتاپرستی و توحید برمی‌گردد. شالوده‌ی اخلاق و تربیت اسلام بر این ریخته شده است که خدا یکی است و شریکی ندارد و این زیربنای دعوت اسلام است که بنده را خالص بار می‌آورد و عبودیت و بندگی را در او نتیجه می‌دهد و این نوع نگاه است که افراد بی‌شماری از علمای ربانی را تحویل جامعه‌ی بشری داد (خلیلی، ۱۳۹۱، ۱۳۵). اخلاق یکی از ساده‌ترین و درعین‌حال پیچیده‌ترین موضوعات مربوط به انسان و اجتماعات است. چراکه دارای اصولی ساده، روشن و مبرهن اما قابل تفسیر و چندبعدی است که اغلب توسط افراد بنا به منافع فردی و گروهی به اشکال مختلف توجیه می‌شود. اخلاق در دانشگاه‌ها در حوزه‌های آموزش، پژوهش، فرهنگی و مدیریت قابل بررسی است که عدول از اصول اخلاقی برای نیل به منافع فردی و گروهی ممکن است در قالب استاد سالاری، دانشجو محوری و یا اشکال دیگر نمود پیدا کند. استادسالاری شکلی از آموزش دانشگاهی است که در آن دانشجو چندان مشارکت و حقی از جمله اعتراض و تجدیدنظرخواهی و ... ندارد و دانشجومحوری نیز از شکلی است که در آن دانشجویان با روش‌های مختلف، جو غالب کلاس و آموزش را به دست گرفته و بر آن مطابق خواسته‌های خود تأثیر می‌گذارند. در این راستا برای اتخاذ رویکردی حقوقی و اصیل و استخراج، اصول و شاخص‌هایی حقیقی، رویکرد اخلاق محوری و دانشگاه اخلاق محور معرفی می‌شود که متکی بر اخلاق توحیدی است. در اخلاق توحیدی همه‌چیز بر مبنای رضایت الهی و دستورات خداوندی سنجیده می‌شود؛ بنابراین هدف این پژوهش، ارائه‌ی اصول و شاخص‌های دانشگاه اخلاق محور با رویکرد اخلاق توحیدی است. از این‌رو سؤال‌های پژوهش نیز عبارت‌اند از: اصول و راهبردهای دانشگاه اخلاق محور با رویکرد توحیدی کدامند؟ همچنین روش پژوهش در این مقاله، شامل روش‌های تحلیلی و میان‌رشته‌ای با رویکرد کیفی و راهبردی تفسیری است به‌طوری‌که پس از تبیین اهمیت موضوع و مسئله‌ی اخلاق در دانشگاه‌ها، به واژه‌شناسی و تبیین مبانی نظری اخلاق از منظر

توحیدی پرداخته شده و سپس جایگاه این اصول و شاخص‌ها در دانشگاه اخلاق محور ارائه می‌شود.

واژه‌شناسی

واژه‌ی Ethics معادل واژه‌ی اخلاق است که از ریشه‌ی یونانی Ethos مشتق شده و به معنای منش و واژه‌ی Morality نیز از ریشه‌ی یونانی Moral و به معنای عادت و رفتار است (تیرگر و طباطبایی، ۱۳۹۵، ۱۳۹). اخلاق مجموعه‌ی صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته‌ی شماری از دانشمندان به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیات درونی انسان ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود. تکامل اخلاقی در فرد و جامعه مهم‌ترین هدف ادیان آسمانی و ریشه‌ی اصلاحات اجتماعی است. دین اسلام که برای رساندن انسان به سعادت و کمال در همه‌ی زمینه‌های مادی و معنوی برنامه‌های جامعی دارد، هندسه‌ی اخلاق آدمی را به دقیق‌ترین و زیباترین شکل ترسیم کرده و پیروان خویش را به آراستگی به ارزش‌های والای اخلاقی فراخوانده است (کاشفی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۲). از نظر ناصر مکارم شیرازی اخلاق مجموعه‌ی صفات روحی و باطنی انسان است و به نقل از بعضی دانشمندان، گاهی به اعمال و رفتاری که از خلیات درونی ناشی می‌شود نیز اخلاق گفته می‌شود. از نظر ناصر کاتوزیان، اخلاق، مجموعه قواعدی است که لازمه‌ی نیکوکاری و رسیدن به کمال است. یعنی به‌وسیله‌ی اخلاق، ما معیاری به دست می‌آوریم که چه کاری خوب و چه کاری بد است (علیمردانی، ۱۳۹۸، ۴۲۹).

اخلاق توحیدی

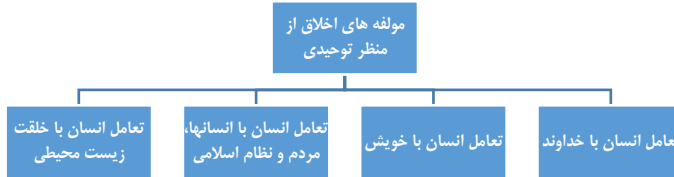
اخلاص یکی از ضروریات اخلاق توحیدی است. به این معنا که انسان تمامی افعال خویش را با نیت خداوندی و خالص برای او انجام دهد. اخلاص در نیت و عمل از ویژگی‌های امیرالمؤمنین علی (ع) است که بیت معروف مولوی "از علی آموز اخلاص عمل، شیر حق را دان مطهر از دغل" به‌وضوح اخلاص حضرت را در حکایت پیکار با دشمن در جنگ خندق نشان می‌دهد. اصل اخلاص می‌تواند در دانشگاه اخلاق مدار در قالب‌های متعدد به نمایش درآید. از جمله‌ی این موارد ارزشیابی فعالیت‌های استاد و دانشگاه بر پایه اخلاص است. چنانکه این اصل می‌تواند در فرایند مختلف آموزش و پژوهش قابل ملاحظه باشد. علامه طباطبایی معتقد است اخلاقی شدن به معنای بار یافتن به آستان معارف توحیدی است و تمام اخلاق، مقدمه‌ی نیل به این قله‌ی رفیع انسانی خواهد بود (خلیلی، ۱۳۹۱، ۱۲۵). اخلاق جمع خلق و

آن نیز به معنای ملکه‌ی راسخ در نفس است که مقتضی آسانی صدور فعل بدون تأمل و تفکر است. اخلاق از جمله فنونی است که در آن از تهذیب نفس و چگونگی پیوند افراد با یکدیگر سخن می‌رود و با تحقیق درباره ملکات نفسانی اعم از قوای نباتی، حیوانی و انسانی، فضایل را از رذایل متمایز می‌سازد. غایت آن نیز ضمن معرفت بخشی به سالک در مقام نظر، اجتناب از رذایل و آراسته شدن به فضایل در مقام عمل برای نیل به کمال است. هدف از اخلاق توحیدی، صرف اکتفا به فضایل نیست بلکه درخواست رضای الهی است. متخلق به کسی گفته نمی‌شود که فقط فضایل اخلاقی را کسب و خود را بدان آراسته نماید بلکه باید به مقام رضا رسیده باشد. زمانی که ایمان بنده نسبت به خدای متعال قوت پیدا کرد و خود را به این فکر مشغول نمود و اسمای حسناى الهی را که منزه از نقص و زشتی است در خود تقویت کرد و مراقبت از نفس را تشدید نمود، خود را به حدی از عبودیت می‌رساند که در همه‌ی حالات، پروردگارش را ناظر اعمال خود می‌بیند و نسبت به او علاقه‌ی شدید نشان می‌دهد. در این صورت از همه‌چیز قطع امید می‌کند و فقط پروردگارش را دوست دارد و تنها در مقابل او خضوع می‌کند. چنین عبدی به‌سادگی نمی‌لغزد و جز حسن و جمال او چیزی نمی‌بیند و دوست نمی‌دارد مگر آنچه را خدا دوست دارد. دقت و ظرافت علامه در نگاه واقع‌بینانه او نهفته است که غایت اخلاق را فقط در تأمین حسن فعلی ندانسته و حسن فاعلی را نیز در آن شرط می‌داند. همچنین مرتبه‌ی فعل اخلاقی را برتر از سایر افعال شمرده است. شاید خیلی از رفتارهای ظاهری که از فرد سر می‌زند، در ظاهر رفتار خوبی باشد اما نمی‌توان حسن ظاهری آن را به معنای اخلاقی بودن قلمداد نمود. زیرا ایمان و اعتقاد امری مهم است. اخلاق وسیله‌ای برای شناخت اعتدال قوای نفس و چگونگی استقرار آن در باطن است که راه علمی آن اذعان و ایمان به آن‌ها و راه عملی تکرار آن‌هاست تا اینکه در نفس رسوخ پیدا کند (خلیلی، ۱۳۹۱، ۸-۱۲۷). شالوده‌ی اخلاق در اسلام یکتاپرستی است که این دیدگاه مختص به قرآن است. بارزترین ویژگی اخلاقی در این دین، سه ویژگی توحیدمحوری، غرض‌متعالی و داشتن شیوه‌ای خاص است که در هیچ مکتب اخلاقی مشاهده نمی‌شود. اخلاق با عقاید گره خورده است و هیچ‌گونه تفکیک میان آن دو قابل فرض نیست. کارآمدترین نظام اخلاقی، اخلاق توحیدی است زیرا خالق هستی را شاهد و ناظر بر همه امور می‌داند و هیچ عملی از اعمال انسان از نگاه حق مخفی نیست. بنابراین جلوت و خلوت برای مؤمن یکسان است و لزومی ندارد زمانی که مجریان قانون او را تحت نظر دارند، به امور اخلاقی پایبند باشد و آنجا که مجری حضور ندارد، عمل خلاف انجام دهد (خلیلی، ۱۳۹۱، ۱۴۴). علامه طباطبایی معتقد است آداب همان اخلاق نیستند، هرچند برخی

چنین تصور کرده‌اند زیرا اخلاق، ملکات راسخ نفس و از صفات روحانی هستند اما آداب بر صورت ظاهری اعمال اطلاق می‌شود که از انسان سر می‌زند و واضح است که میان این دو امر فاصله زیادی وجود دارد؛ بنابراین می‌توان تفاوت آن دو را چنین برشمرد. الف) ادب به معنای ظرافت و دقت در عمل است و عمل وقتی چنین می‌شود که در آن دو شرط باشد: یکی اینکه مشروع باشد و دیگر اینکه از روی اختیار باشد، درحالی که اخلاق وصفی از اوصاف روح است. ب) ادب انسانی یعنی ترکیب اعمال دینی که تابع مطلوب نهایی در زندگی اوست و این از آثار نفس و روح است. البته افعال ظاهری انسان که با نیات درونی او ارتباط داشته، نمی‌تواند مخالف امور نفسانی او باشد. برای نمونه، نمی‌توان سخنی را بر زبان آورد یا فعلی را مرتکب شد که خلاف آن در باطن رسوخ کرده باشد. پس اعمال و رفتار نیک، حاکی از درون پاک و افعال زشت ناشی از باطن ناپاک است. ج) ادب دینی همان اعمال دینی است که از غایت دین حکایت می‌کند و آن حالت عبودیت و بندگی است. از نظر اسلام، غایت حیات انسان، توحید در مقام اعتقاد و عمل همراه با اتقان می‌باشد. چنین حالتی ادب است، نه اخلاق. ادب به‌مثابه‌ی جسم است و اخلاق به‌منزله‌ی روح. آن اصل است و این فرع و اصل بدون فرع را فایده‌ای نیست؛ چنانکه فرع بی اصل را ثبات و قوامی نیست (خلیلی، ۱۳۹۱، ۱۲۹). از نظر آیت‌الله جوادی آملی، اخلاق وحیانی، مختص ادیان الهی و بر پایه‌ی "أَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلَهِهِ رَاجِعُونَ" است یعنی انسان موجودی ممتاز است که خدا وی را با سرشتی مخصوص چنان آفریده که می‌تواند "فجور" و "تقوا" یا خوب و بد را با آن سرشت بفهمد. انسان نخست باید ذات و حقیقت و آغاز و انجام و جاودانه بودن خویش را بشناسد یا به او بشناساند تا جایگاه خویش را در پهنه‌ی هستی دریابد. بر این اساس، اخلاق از امور مربوط به روابط اجتماعی بسیار فراتر می‌رود و هر عقیده و عملی، خواه مربوط به خود فرد باشد یا به پیوند میان او و خدا مرتبط باشد و خواه به ارتباط او با مردم گره بخورد، در حوزه‌ی اخلاق و اوصاف قرار می‌گیرد. در سرتاسر قرآن کریم، هر جا عمل نیک یا بدی ذکر شده، پاداش یا کیفر آن هم با وضوح و گاه به تفصیل آمده است. گوینده، ناظر دقیقی است که تمام ظاهر و باطن عمل را از آغاز تا انجام و تا نتیجه‌ای که بر آن مترتب می‌شود، می‌بیند و می‌داند که این بذر چگونه می‌شکفت و می‌روید و می‌بالد و به بار می‌نشیند و بار و برش می‌رسد و چیده می‌شود و شیرین آن، بار شیرین و تلخش بار تلخ می‌دهد و ... و این کاری است که جز وحی راستین، هیچ‌کس و هیچ‌چیزی از عهده‌ی آن بر نمی‌آید پس باید پذیرفت که اخلاق فراگیری که در اعماق روح نفوذ کند و برانگیزاند، حیات کنونی و پس از مرگ او را بسازد و ساختار بخشد و مستعدان را در مراتب متفاوت و متصاعد کمال، به کمال برساند و به عالی‌ترین

درجه‌ی عرفان که مخصوص انسان کامل است، ارتقا دهد، اخلاق و حیانی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۷-۱۱). آیت‌الله جوادی آملی در خصوص رابطه‌ی بین علم و دین معتقد است الزامات تولید علم دینی و اسلامی سازی علوم تجربی عبارت‌اند از: ۱. عنوان طبیعت برداشته شود و به‌جای آن خلقت قرار بگیرد یعنی اگر عالمی یا محققى بحث می‌کند که فلان اثر در فلان ماده‌ی معدنی هست یا فلان گونه‌ی گیاهی چنین خواص و آثاری دارد، با تغییر عنوان یاد شده این‌گونه می‌اندیشد و آن را تبیین می‌کند که پدیده‌ها و موجودات چنین آفریده شده‌اند. ۲. عنوان خالق که مبدأ فاعلی است ملحوظ باشد، یعنی آفریدگار حکیم، صحنه‌ی خلقت را چنین قرار داده که آثار و خواص ویژه‌ای باشند. ۳. هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است، منظور شود. ۴. محور بحث دلیل معتبر نقلی مانند آیه‌ی قرآن یا حدیث صحیح قرار بگیرد. ۵. از تأییدهای نقلی و تحلیل‌های آن استمداد شود. ۶. در هیچ موردی ادعا نشود که عقل در این مورد کافی است. همچنان که نباید فقط به نقل هم اکتفا نمود. ۷. تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر (جوادی آملی، ۱۳۹۴). همچنین آیت‌الله جوادی آملی تعامل انسان را در پنج بخش بررسی نموده‌اند: ۱. تعامل انسان با خود شامل احکام و دستورات و توصیه‌های اسلامی درباره تفکر و تدبیر، یادگیری و دانش‌اندوزی، کار و تلاش، حفظ تن و حرمت اضرار به نفس، نظافت و بهداشت، خوردن و آشامیدن، لباس و پوشش، زینت و آراستگی، مسکن، مسافرت، خواب‌و بیداری، تفریحات سالم و ورزش. ۲. تعامل انسان با همنوعان که انجام اعمال و مناسبات عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را تنظیم می‌نماید. ۳. تعامل مردم و نظام اسلامی دارای چهار بخش نظام سیاسی، نظام اجتماعی، نظام شهرسازی و نظام خدمات عمومی و نظام اقتصادی است. ۴. تعامل انسان با حیوان که شامل سه بخش است که عبارت‌اند از: نگهداری حیوان، بهره‌گیری از حیوان و حقوق حیوان. ۵. تعامل انسان با خلقت زیست‌محیطی که شامل نه بخش محیط‌زیست، آب‌وهوا و خاک حاصلخیز، درختان و جنگل‌ها، فضای سبز و مراتع، باد و باران، دریاها و نه‌رها، راه‌ها، مواد سوختی و گردشگری است (جوادی آملی، ۱۳۹۴). از این‌رو می‌توان با توجه به ابعاد فوق، مؤلفه‌های اخلاق از منظر توحیدی برای استفاده در مبانی دانشگاه اخلاق‌مدار را استخراج و بیان نمود. البته لازم به ذکر است که در این ابعاد با اندکی تغییر، ارتباط با خداوند که شامل اعمال عبادی، نیایشی و انجام امور دینی و معنوی است به‌صورت جداگانه در نظر گرفته شده است. همچنین ارتباط با خویشتن و نفس که شامل امورات شخصی در ابعاد مختلف و اخلاق مربوطه است. ارتباط با سایر انسان‌ها و جامعه و نظام اسلامی نیز بایسته‌های اخلاقی مربوطه را ایجاب می‌نماید و

همچنین ارتباط با مخلوقات زیست محیطی اعم از حیوانات و گیاهان و ... نیز در یک مؤلفه قرار گرفته است که در شکل ۱ قابل ملاحظه است.



شکل ۱) مؤلفه‌های اخلاق از منظر توحیدی

شاخصه‌ها و راهکارهای دانشگاه اخلاق مدار

یکی از محققان برای اخلاق در آموزش عالی چهار بعد معرفی می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. اخلاق در مدیریت: رویکردی مشتری محور دارد و مربوط به مسائل و تنش‌های طبیعی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود. ۲. اخلاق در پژوهش: به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و عملی است. برای اخلاق در پژوهش دو حوزه‌ی اساسی در نظر گرفته می‌شود: ۱) آزمودنی‌های انسانی و اخلاق ۲) انسان پژوهشگر و اخلاق. ۳. اخلاق دانشجویی: دانشجویان نیروی کار آینده‌ی هر جامعه‌ای هستند؛ بنابراین دانشگاه باید بتواند تجربیات اخلاقی دست اولی را برای آن‌ها فراهم آورد تا در زمینه‌ی مسائل اخلاقی کسب تجربه کنند. ۴. اخلاق در تدریس: مراد از اصول اخلاقی در اینجا عبارت است از دستورالعمل‌های کلی و ایده آل که در طراحی و تحلیل تدریس دانشگاهی باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله‌ی این اصول تدوین شده می‌توان به اصول اخلاقی انجمن روانشناسان آمریکا برای تدریس اشاره کرد که عبارت‌اند از: مسؤولیت در برابر دانشجویان، توانایی و کفایت در تدریس، استانداردهای قانونی و اخلاقی، بیان عمومی آزادی، رازداری، آسایش و سعادت مشتری، ارتباطات حرفه‌ای، ارزیابی تکنیک‌ها و تحقیق با مشارکت انسانی. چالش‌های استادان دانشگاه همیشه تازه بوده و هنوز برخی از آن‌ها ثابت و بی‌پاسخ مانده است. سؤالاتی در ارتباط با نحوه‌ی تدریس، کفایت فناوری، رعایت عدالت و اخلاقیات در تدریس، ارزیابی و ... همیشه ذهن استادان را مشغول کرده است. اصول اخلاقی از نظر یکی از صاحب‌نظران، توصیف‌کننده‌ی روش‌هایی است که شکل‌گیری آزادی دانشگاهی را به صورت مسؤولیت پذیرانه ممکن می‌سازد. وی برای اخلاق در آموزش ۹ اصل اساسی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. کارآمدی محتوای درسی ۲. کارآمدی آموزشی ۳. پرداختن به موضوعات حساس ۴. رشد دادن دانشجو ۵. داشتن

رابطه‌ی دوگانه با دانشجویان ۶. رازداری ۷. احترام به همکاران ۸. ارزیابی درست از دانشجویان ۹. احترام به مؤسسه‌ی آموزشی. (سلاجقه و صفری، ۱۳۹۷، ۱۰۵). اخلاق علمی است که در باب ارزش‌ها و رفتارها بحث می‌کند. سابقه‌ی این علم به صورت مدون به یونان باستان برمی‌گردد و توصیه‌های اخلاقی اگرچه همواره در متون به دست رسیده از فرزندان تاریخ وجود داشته، با ادیان آسمانی نیز پیوندی ناگسستنی دارند. با ظهور اسلام و تجلی آن در قرآن و سیره و کلام معصومان و شرح و بسط آن توسط عالمان دینی، توجه به اخلاق و گزاره‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی تبلور پیدا کرده است. در سنت اسلامی علم مستقلی متکفل بحث فلسفی حول اخلاق نبوده و هر علمی از منظر خود و عمدتاً اخلاق پرداخته است (صالحی ساداتی و جوادی، ۱۳۹۷، ۴۹).

تغییر فضای رقابتی نمره محور به فضای اعتمادسازی و تلاش محوری در

مسیر آموزش

در راستای نهادینه نمودن مبانی توحیدی در دانشگاه‌ها، شایسته است که دانشجویان از فضای رقابت نمره‌ای و حسادت‌های مربوطه و نزاعات درونی به تلاش‌های مفید برای جامعه و با هدف غایی خدمت به خلق، عبادت است، ترویج و تشویق شود. همچنین چنین رقابت منفی بین اساتید از تولید محتوای کمی و پژوهش‌های مفید و غیرمفید به خدمت به جامعه و حل مسائل کشور تبدیل شود.

ارائه و نهادینه کردن الگوهای اخلاق عالمان اسلامی (برای ارائه‌ی رفتار

مخلصانه و دور از حسادت ورزی)

یکی از راهکارهای نیل به اهداف دانشگاه توحیدمحور، الگو قرار دادن اساتید و بزرگان علوم اسلامی و ترویج منش و روش آن‌ها در آموزش، پژوهش و منش دانشگاهی است. بزرگانی همچون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، ملاصدرا، علامه طباطبایی، علامه جعفری و علامه امینی و بسیاری دیگر از اساتید حوزه و دانشگاه در دوره‌های مختلف زمانی در زمره این عالمان هستند. رعایت اخلاق حرفه‌ای در تمامی حرفه‌ها نقش مهمی دارد، اما اهمیت آن در نهاد دانشگاه با توجه نقش مهم آن در تعلیم و تربیت دانش‌آموختگانی متخصص، متعهد و مسئولیت‌پذیر بسیار پررنگ‌تر جلوه می‌کند. فراتر از این، توجه به نقش راهبردی دانشگاه در ترویج اخلاق حرفه‌ای در مشاغل و سازمان‌ها، ضرورت اخلاقی بودن سازمان دانشگاه را بیشتر نشان می‌دهد. تهیه‌ی نظامنامه‌ی اخلاق حرفه‌ای، توسعه‌ی شایستگی‌های حرفه‌ای اعضای

هیئت علمی و مدیران، ارتقای نقش اعضای هیئت علمی و دانشجویان، توجه به رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در آیین‌نامه‌ها و ضوابط دانشگاه و برگزاری برنامه‌های آموزشی از جمله راهکارهای تحقق دانشگاه اخلاق مدار است (سرسنگی، ۱۳۹۸، ۲۷۸). در سند دانشگاه اسلامی نیز اصول عمومی و اختصاصی دانشگاه‌ها عبارت‌اند از

• **اصول عمومی و اختصاصی دانشگاه‌ها که عبارت‌اند از:** ۱. اهتمام به علم و دانش و اعتقاد به تأثیر بنیادی و قطعی آن در اداره صحیح جامعه و تأمین رفاه و سعادت مردم و رشد و توسعه متوازن ۲. اهمیت داشتن فکر و اندیشه و وجود آزادی برای تحقیق و نقد و بررسی آراء و نظریات گوناگون. ۳. داشتن پیوند با واقعیت‌های جامعه و توجه به جنبه‌های علمی و کاربردی اندیشه‌های نظری. ۴. داشتن آگاهی از مسائل و مباحث فکری و اجتماعی در عرصه‌ی سیاسی جامعه و مشارکت در صحنه‌ی زندگی اجتماعی و ایفای نقش در آن ۵. شناخت سنت‌ها و مفاهیم اخلاقی، ارزشی و فرهنگی جامعه (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، ۳).

• **اصول اختصاصی دانشگاه اسلامی که علاوه بر اهتمام به اصول عمومی دانشگاه‌ها،** دانشگاه اسلامی به اعتبار اسلامی بودن خود ویژگی‌هایی دارد که ذیلاً و به ترتیب اهمیت و اولویت به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم‌آموزی به منزله‌ی یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند. ۲. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به‌منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد. ۳. دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن افراد در پرتوی معارف اسلامی با احساس تعهد و مسئولیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، ۳-۴).

رشد اخلاقی دانشگاه به دانش اخلاق کاربردی متعلق است و از طریق مطالعه‌ی تطبیقی و رهیافت بین‌رشته‌ای می‌توان به الگوی نظری و عملیاتی آن دست‌یافت. رشد اخلاقی دانشگاه باید با هدف فراگیر و شامل همه‌ی بخش‌ها، همه‌ی منابع انسانی و دانشجویان و در همه‌ی شئون حرفه‌ای باشد. بر پایه‌ی تحلیل رخنه‌سنجی از طریق شناخت وضعیت موجود اخلاقی دانشگاه در همه‌ی شئون حرفه‌ای و ترسیم وضعیت مطلوب، می‌توان الگوی عملیاتی بهبود باز مهندسی فرایندها، باز انگاری منابع انسانی و نیز رشد مهارت‌های رفتار اخلاقی و رشد فضایل خلقی را ترسیم کرد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۸، ۴۴۷). با توجه به ابعاد چهارگانه‌ی

معرفی‌شده در بخش قبلی برای اخلاق توحیدی، می‌توان مسائل پیش روی دانشگاه‌های معاصر را به شرح جدول ۱ زیر برشمرد:

جدول ۱) مسائل پیش‌روی دانشگاه‌ها به تفکیک گروه‌ها و ذینفعان

گروه‌ها			استاد	رقابت منفی	رقابت و پیشرفت
جامعه	خانواده	دانشجو			
منفعت‌طلبی زرنگی فردمحوری گسست اجتماعی	بی‌توجهی به نیازهای روحي، گسست	رشد یک‌بعدی تخلفات آموزشی			
سستی اخلاق افراط و تفریط روزمرگی و فرسودگی فرایندها			نمره محوری؛ به‌روز نبودن از لحاظ علمی مقاله محوری؛ سرقت علمی و ادبی		آموزش و پژوهش
افراط و تفریط در روابط عدم همکاری گروهی و بین سازمانی			نفی همکاران و عدم انتقادپذیری شخصیت؛ عدم همکاری گروهی		ارتباط با دیگران
مسائل جسمی متعدد از قبیل نارسایی بینایی و ستون فقرات و ...					سلامت جسمی
مسائل روحی متعدد از قبیل عصبیت، پریشانی و ...					سلامت روحی و روانی
ضعف اعتقادات و ایمان؛ منفعت‌گرایی؛ دنیامحوری					معنویت

نتایج

یکی از رسالت‌های آموزش دانشگاهی ترویج اخلاق است اما در فضای مجازی آموزش عالی و آموزش مجازی گاهی رفتارهای غیرعلمی و خلاف اخلاق دانشگاهی مشاهده می‌شود که لزوم توجه به اخلاق دانشگاهی در این خصوص را نمایان‌تر می‌کند؛ بنابراین باید با دقت و ظرافت با این موضوع کنار آمد و همگام با پیشرفت فناوری از ظرفیت‌های این حوزه، فناوری‌های اطلاعاتی و رشد جوامع در حوزه‌ی مجازی و دانشگاهی استفاده نمود. همچنین با گسترش فعالیت دانشگاه‌های مجازی و با وجود ارزش‌های متعدد در این دانشگاه، به نظر می‌رسد با ایجاد فضای اخلاقی مناسب بتوانیم محیطی را ایجاد کنیم تا بازنگری ارزش‌های اخلاقی و درک مشترک از اینکه کدام ارزش‌ها مناسب‌تر است، برای همگان میسر شود. نتیجه آنکه با رعایت اصول اخلاقی در فضای دانشگاه‌های مجازی می‌توان تمهیداتی اندیشید

که فردی بی حرمت نشود و ضمن رعایت حریم شخصی افراد، حقوق مالکیت معنوی افراد حفظ گردد و در نهایت سلامت و امنیت اجتماعی و روانی دانشگاهیان تأمین شده و صداقت، امانت، رازداری و اعتماد میان جامعه‌ی دانشگاهی رواج یابد (علیمردانی، ۱۳۹۸، ۴۳۵). امروزه در اخلاق حرفه‌ای، تلقی "شما حق دارید و من تکلیف"، مبنای هرگونه اخلاق در کسب و کار است. این مبنا از رفتار ارتباطی فرد، به صورت اصلی برای ارتباط سازمان با محیط قرار می‌گیرد و سازمان با دغدغه‌ی رعایت حقوق دیگران از تکالیف خود می‌پرسد. ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای در مفهوم امروزی آن عبارت‌اند از: دارای هویت علم و دانش بودن، داشتن نقشی کاربردی، ارائه‌ی سبکه‌ای حرفه‌ای، بومی و وابسته به فرهنگ، وابستگی به یک نظام اخلاق و ارائه‌ی دانش انسانی دارای زبان روشن انگیزشی (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۸، ۷۱۹). با توجه به مبنای، راهبردها، مسائل، ابعاد و شاخص‌های اخلاق توحیدی در دانشگاه‌ها، می‌توان خلاصه آن را در جدول ۲ بیان نمود

جدول ۲) ابعاد، مؤلفه‌ها و اصول اخلاق توحیدی

ابعاد و مؤلفه‌ها	زیرمؤلفه	اصول و الزامات اخلاق توحیدی با تأکید بر دانشگاه اخلاق محور
حقوق خداوند	عبادی و نیایشی	اهتمام در انجام واجبات شرعی؛ رعایت حدود الهی و حلال و حرام؛ شاکر بودن؛ اعتدال و میانه‌روی در فعالیت‌های روزمره دانشگاهی و بیرون از دانشگاه
	بندگی	تواضع و فروتنی؛ پرهیز از خودستایی و دنیاپرستی
حقوق نفس	جسمی	توجه به سلامت جسمی؛ ورزش و شادابی
	روحی	سرزندگی؛ شادابی و بانشاط بودن
حقوق سایر انسان‌ها	دانشجویان	احترام متقابل استاد و دانشجو؛ انصاف و عدالت؛ آموزش و پرورش توأمان
	خانواده	اعتدال و میانه‌روی در امور دانشگاه و خانواده
	همکاران	خیرخواهی؛ عدالت و انصاف؛ تواضع و فروتنی؛ برادری
	جامعه	خیرخواهی؛ تقدم مصلحت جمع بر مصلحت فرد
حقوق خلقت زیست محیطی	گیاهان	حفاظت از محیط‌زیست
	جانوران	نگرش خدامحوری به مخلوقات خداوندی
	آب، هوا و خاک	شکر به درگاه الهی

نتیجه‌گیری

اخلاق یکی از پایه‌های حیات مطلوب انسان‌ها و تعالی و پیشرفت آن‌ها است که دارای رویکردهای گوناگونی است. اخلاق توحیدی رویکردی است که تمرکز و تأکید آن بر مبانی توحیدی و رضایت الهی متمرکز است. اخلاق توحیدی در دانشگاه‌ها در ابعاد چهارگانه‌ی پژوهش، شامل حقوق خداوند، خویشتن، سایر انسان‌ها و جامعه و خلقت زیست‌محیطی قابل تبیین است و مهم‌ترین راهبردهای تحقق آن در عمل عبارت‌اند از: اهتمام در انجام واجبات شرعی، رعایت حدود الهی و حلال و حرام، شاکر بودن، اعتدال و میانه‌روی در فعالیت‌های روزمره‌ی دانشگاهی و بیرون از دانشگاه، تواضع و فروتنی، پرهیز از خودستایی و دنیاپرستی، توجه به سلامت جسمی، ورزش و شادابی، سرزندگی، شادابی و بانشاط بودن، احترام متقابل استاد و دانشجو، انصاف و عدالت، آموزش و پرورش توأمان، اعتدال و میانه‌روی در امور دانشگاه و خانواده، خیرخواهی، عدالت و انصاف، تواضع و فروتنی، برادری، خیرخواهی، تقدم مصلحت جمع بر مصلحت فرد، حفاظت از محیط‌زیست، نگرش خدامحوری به مخلوقات خداوند و شکر به درگاه الهی.

منابع

۱. تیرگر، هدایت و طباطبایی، سید سجاد (۱۳۹۵). ارزشیابی اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان. *فصلنامه علمی - ترویجی / اخلاق*، ۶ (۲۳)، ۱۳۵-۱۶۶.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶). کرامت در قرآن. بنیاد بین‌المللی اسراء.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). تبیین براهین اثبات خدا. چاپ دوم، قم: اسراء.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). توحید در قرآن. چاپ دوم، قم: اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). مفاتیح‌الحیاه. چاپ اول، ویراست دوم، قم: اسراء.
۶. خلیلی، مصطفی (۱۳۹۱). اخلاق توحیدی از دیدگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه اخلاق و حیاتی*. ۱ (۱)، ۱۴۶-۱۲۵.
۷. سرسنگی، مجید. (۱۳۹۸). تبیین اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی و راهکارهای تحقق دانشگاه اخلاق‌مدار. مجموعه مقالات دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق‌مدار، دانشگاه تهران (صص. ۸۴-۲۷۸).
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). سند دانشگاه اسلامی، شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۹. صالحی ساداتی، سید علیرضا و جوادی، محسن (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق استاد جوادی آملی. فصلنامه اخلاق و حیانی. ۶ (۲). ۴۷-۶۸.
۱۰. سلاجقه، آریتا و صفری. ثنا (۱۳۹۴). رابطه اخلاق حرفه‌ای با عملکرد استادان دانشگاه. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۰ (۳)، ۱۱۰-۱۰۳.
۱۱. علیمردانی، زهره. (۱۳۹۸). ضرورت توجه به اخلاق در دانشگاه‌های الکترونیکی. مجموعه مقالات دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق مدار، دانشگاه تهران (صص. ۳۷-۴۲۶).
۱۲. فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۸). از اخلاق فلسفی تا اخلاق کاربردی: راهبردهای عملیاتی رشد اخلاقی دانشگاه. مجموعه مقالات دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق مدار، دانشگاه تهران (صص. ۴۳۸-۴۴۸).
۱۳. کاشفی، صدیقه؛ عترت دوست، محمد و فتاحی زاده. فتحیه (۱۳۹۹). تبیین راهکارهای عملی و نظری کسب تواضع و فروتنی بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه امیرالمؤمنین. فصلنامه علمی - ترویجی در حوزه اخلاق. ۱۰ (۳۷). ۱۱-۳۷.
۱۴. هاشمی، سید یوسف؛ شعبانی، مهدی و نصیری، محمدمین. (۱۳۹۸). ارتباط و پیامدهای ارزش‌های اخلاقی در دانشگاه. مجموعه مقالات دومین همایش ملی دانشگاه اخلاق مدار، دانشگاه تهران (صص. ۲۱-۷۰۳).